

مقالات پژوهشی

ORIGINAL ARTICLES

ارزیابی سوگیری توجهی در اختلالات اضطرابی
و افسردگی (با استفاده از یک تکلیف ادراک رنگ)*

دکتر محمود دژکام**، لادن نبوی***

خلاصه

جهت بررسی تاثیر دو تغییر خلقی اضطراب و افسردگی بر میزان توجه به محرکهای هیجانی، با استفاده از یک تکلیف ادراک رنگ سه آزمایش صورت گرفت. نتایج آزمایش اول حاکی از تفاوت معنی دار بین میزان توجه به واژه‌های هیجانی تهدید کننده، در قیاس با واژه‌های غیرهیجانی و یا هیجانی مثبت بود. همچنین مشاهده شد که رخداد یک استرس سبب تشدید توجه انتخابی به واژه‌های تهدیدآمیز می‌شود و کنش متقابل تاثیر صفت و حالت اضطراب در بروز سوگیری توجهی نسبت به منبع تهدید، بیشترین سهم را دارد. به منظور بررسی امکان تعمیم نتایج آزمایش اول به بیماران بالینی مضطرب و تفکیک فرآیندهای توجهی آنان از افراد بهنجار، آزمایش دوم طراحی گردید: نتایج نشانگر آن بود که افزایش اضطراب، به گونه‌ای که در مورد بیماران مشاهده می‌شود، در افزایش میزان توجه انتخابی نسبت به محرکهای هیجانی تهدید کننده موثر است. در تلاش برای مقایسه و تفکیک تاثیر نسبی اختلالات اضطرابی و افسردگی در سوگیری توجهی، نتایج آزمایش سوم نشانگر آن بود که افسردگی نیز با افزایش توجه، نسبت به محرکهای هیجانی منفی و کاهش توجه نسبت به محرکهای هیجانی مثبت ارتباط دارد؛ اما مهمترین عامل تعیین کننده در بروز سوگیری توجهی، سطوح مختلف حالت اضطراب می‌باشد.

* این پژوهش با استناد به تحقیق متیوس و مکلود (۱۹۸۵) تحت عنوان "پردازش انتخابی نشانه‌های تهدیدآمیز در حالت‌های اضطرابی" صورت گرفته است.

** استادیار روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

** کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد رودهن

مقدمه

تمامی رویکردهای شناختی-رفتاری در این فرض مشترک هستند که هیجانها و رفتار اساساً کنش نحوه تفسیر رویدادها می‌باشند. ارتباط میان خلق یعنی "هیجانی نافذ و مستمر که به طور ذهنی احساس شده و به وسیله شخص گزارش می‌شود" و فرآیندهای شناختی یعنی "فرآیندهای ذهنی توجه، ادراک، خبرپردازی و یادآوری که شخص از طریق آنها اطلاعات کسب می‌کند، نقشه می‌کشد و مسئله حل می‌کند" از حدود سالهای ۱۹۵۰ در روانشناسی بالینی و اجتماعی و بعدها در روانشناسی شناختی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان تعداد چشمگیری از تحقیقات سعی در توضیح و تبیین فرآیندهای شناختی، به ویژه سوگیری توجهی در ارتباط با اختلالات اضطرابی و افسردگی داشته‌اند و سوگیری توجهی را نیز به عنوان گرایش به قضاوت به گونه‌ای منظم و ثابت و یا الویت توجهی به امری از بین سایر امور تعریف کرده‌اند (۵). این پژوهش از نظر ارتباط میان خلق و شناخت بر پایه نظریه شبکه (Network theory) در زمینه توجه انتخابی به موضوعات همخوان با خلق تنظیم شده است (۳). همچنین بررسیهای زیادی به دنبال ارائه الگوهای شناختی بک (۲) در مورد اضطراب و افسردگی صورت گرفته است. بک معتقد است افراد آسیب‌پذیر نسبت به حالت‌های اضطرابی، با ساختارهای شناختی که به ویژه به پردازش اطلاعات ناشی از خطر مربوط هستند (مثل طرحواره‌های خط) مشخص می‌شوند. و به منظور جذب اطلاعات از عناصر محیطی تهدیدآمیز، هماهنگ با طرحواره عمل می‌کنند (۸). همچنین براساس نظریه تحریف شناختی بک، در حالت افسردگی از آنجا که طرحواره‌های مورد استفاده توسط افراد افسرده اساساً منفی هستند، ادعا شده این افراد در ادراک خود از محیط سوگیری نشان می‌دهند (۶). بدین معنا که سوگیریهای همخوان با خلق می‌بایستی در تمام مراحل توجه،

ادراک، پردازش و یادآوری مشاهده شوند (۲ و ۳). با این وجود شواهد اخیر حکایت از آن دارند که اضطراب و افسردگی ویژگیهای متفاوتی دارند. محققان ثابت کرده‌اند در شرایطی که آزمودنیهای افسرده اکثراً موضوعات هیجانی منفی را به خاطر می‌آورند، توجه آزمودنیهای مضطرب بیشتر به مطالب تهدید کننده معطوف می‌شود؛ به طوری که هر قدر محرکهای مبهم دارای مفاهیم تهدیدآمیز بیشتری باشند، سریعتر درک می‌شوند. براساس همین شواهد اضطراب را با سوگیری در جنبه‌های مقدماتی پردازش (پیش توجهی و توجهی) و افسردگی را با سوگیری در مراحل وسیعتر پردازش (پس توجهی) مرتبط دانسته‌اند (۱۰).

به منظور انجام پژوهشی که هدف کلی آن ارزیابی سوگیری توجهی در اختلالات اضطرابی و افسردگی به طور تجربی بود، سه آزمایش صورت گرفت: هدف از آزمایش اول و دوم اختصاصاً تاثیر نسبی و حالت اضطراب و نیز تاثیر متقابل آنها در سوگیری توجهی نسبت به تجربیات و محرکهای منفی و تهدید کننده در آزمودنیهای بهنجار و بیماران مضطرب و هدف از آزمایش سوم، تعیین تاثیر نسبی افسردگی در سوگیری توجهی نسبت به این محرکها و مقایسه آن با اضطراب می‌باشد.

آزمایش اول

روش

آزمودنیها: از جامعه دانشجویان دانشکده‌های پزشکی دانشگاههای دولتی تهران، ۷۲ نفر به طور داوطلبانه به سیاه صفت اضطراب (۱۲) پاسخ دادند و از میان این عده، ۱۵ نفر که نمرات کمتر از ۳۲ به دست آورده بودند به عنوان گروه دارای صفت اضطراب کم و ۱۵ نفر که نمرات بیش از ۳۳ آورده بودند به عنوان گروه دارای صفت اضطراب زیاد جهت مشارکت در آزمایش دعوت شدند. تقسیم گروه نمونه براساس این روش نمره‌گذاری،

تعریف عملیاتی مفهوم اضطراب در این پژوهش می‌باشد. هر گروه شامل ۷ زن و ۸ مرد و میانگین سن آنان ۲۲ سال بود. به طوری که از ملاکهای انتخاب انتظار می‌رفت، گروه دارای صفت اضطراب زیاد به طور معنی‌داری نمرات بالاتری از سیاهه صفت اضطراب آوردند ($\bar{X}=49/3$ ، $SD=4/5$) تا گروه دارای صفت اضطراب کم ($\bar{X}=30/8$ ، $SD=1/4$)، $P < 0/01$ و $t(28)=9/25$.

وسایل آزمایش

در این آزمایش محرکها عبارت از پنج دسته واژه معنادار و هر دسته شامل بیست جفت واژه بودند. سه دسته واژه‌های هیجانی را تشکیل می‌دادند که هر یک با کلمه‌ای خنثی و بی‌اثر از نظر هیجانی جفت شده بودند. بدین ترتیب: (۱) تهدید کلی-خنثی مثل: فاجعه-ترازو؛ (۲) تهدید پیشرفت-خنثی مانند: محدودیت-سخنرانی؛ و (۳) مثبت-خنثی مثل: پیروزی-تنباکو. همچنین جهت کنترل هر گونه آثار دسته‌بندی و فراوانی واژه‌ها دو دسته واژه غیر هیجانی وجود داشت. بدین ترتیب: (۴) واژه‌های دسته‌بندی شده خنثی مثل: اطو-برج (واژه‌های دسته‌بندی شده از بین اصطلاحات مربوط به امور خانگی اقتباس شده بود)؛ و (۵) واژه‌های دارای فراوانی زیاد-واژه‌های دارای فراوانی کم مثل: چیز - بحر.

توجه انتخابی به هر عضو از یک جفت واژه با استفاده از یک تکلیف ادراک رنگ ارزیابی شد. توصیف این تکلیف بدین قرار است که دو واژه متعلق به هر جفت به طور همزمان با دو نوار رنگ قرمز و سبز تعویض می‌شدند و آزمودنیها ملزم بودند رنگ نوری - که به تصور آنها در ابتدا ظاهر شده است - را اعلام کنند. منطق این تکلیف آن است که چنانچه آزمودنیها به هنگام ارائه نوارهای رنگ مثلا" در حال توجه به واژه دارای مضمون تهدید باشند، رنگ جایگزین آن واژه به عنوان رویداد نخست ادراک

خواهد شد. بنابراین رنگ نوار انتخاب شده نشانگر آن است که به کدام یک از دو واژه توجه شده است. دستگاه مورد استفاده برای اجرای تکلیف، یک کامپیوتر سازگار با IBM و مدل 386 بودند که تنظیم زمان ارائه محرکها، فواصل میان کوششهای آزمایشی و ثبت نتایج را انجام می‌داد. در هنگام آزمایش، آزمودنی مقابل صفحه تلوزیون و در فاصله ۴۰ سانتیمتری آن می‌نشست و مراحل زیر اجرا می‌شد.

(۱) در هر کوشش آزمایشی یک علامت (+) ثابت در وسط صفحه به مدت ۳۰۰ هزارم ثانیه ارائه می‌شد.
(۲) یک جفت واژه به فاصله ۳۰ میلیمتر در قسمت بالای علامت ثابت به مدت ۶۰۰ هزارم ثانیه نشان داده می‌شد.

(۳) هر جفت واژه توسط دو نوار رنگ قرمز و سبز که دقیقاً به اندازه طول واژه‌ها بودند، پوشانده می‌شد و تا زمان ارائه پاسخ آزمودنی همچنان بر صفحه تلوزیون باقی می‌ماند.

(۴) آزمودنی می‌بایستی یکی از دو کلید قرمز و سبز را که برای پاسخ در اختیار دارد، به نشانه انتخاب اینکه در ابتدا کدام نوار رنگ ظاهر شده، فشار دهد.

(۵) برای مرتبه دوم علامت ثابت به مدت ۳۰۰ هزارم ثانیه ارائه می‌شد و این بار در قسمت پایین علامت همان جفت واژه پیشین به مدت ۶۰۰ هزارم ثانیه نشان داده شد و پس از پوشانیده شدن توسط نوارهای رنگ و ارائه پاسخ آزمودنی، یک کوشش آزمایشی پایان می‌یافت.

(۶) پس از ظهور صفحه خاکستری به مدت ۲۰۰ هزارم ثانیه (فواصل میان کوششها)، کوشش آزمایشی بعدی به ترتیب گفته شده شروع می‌شد.

واژه‌ها با حروف سفید رنگ روی زمینه خاکستری تلویزیون ظاهر می‌شدند و زاویه دید تقریباً دو درجه به صورت عمود نسبت به علامت ثابت بود. جایگاه واژه‌ها در طول فهرست و نوارهای رنگ جایگزین آنها بین

یافته‌ها

اثر حالت اضطراب. به منظور بررسی تاثیر استرس در تشدید توجه به محرکهای هیجانی تهدید کننده، آزمون تحلیل واریانس، با روش اندازه‌گیری مکرر برای نمرات حاصل از سیاهه حالت اضطراب با دو سطح استرس و عدم استرس (درون آزمودنیها) و صفت اضطراب با دو سطح زیاد و کم (بین آزمودنیها) صورت گرفت که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین میانگینهای سطوح مختلف عامل اول، یعنی صفت اضطراب [F(۱ و ۲۸)=۸۴/۳۸ و P<۰/۰۱] و میانگینهای سطوح مختلف عامل دوم یعنی حالت اضطراب [F(۱ و ۲۸)=۴۳/۱۲ و P<۰/۰۱] می‌باشد ولی تاثیر متقابل این دو عامل به سطح معنی‌داری نرسیده است [F(۱ و ۲۸)=۱/۳۷].

عملکرد تکلیف. در وضعیت آزمون که در آن بین ارائه دو نوار رنگ، در واقع ۱۰۰ هزارم ثانیه تاخیر وجود داشت، تمام آزمودنیها بالاتر از سطح تصادف عمل کرده بودند (میانگین درصد کوششهای صحیح کشف شده برابر ۹۱ درصد و SD=۲/۰ و دقت تحت تاثیر صفت اضطراب و نیز شرایط استرس / عدم استرس قرار نگرفته بود.

به منظور بررسی تاثیر اضطراب در افزایش میزان توجه به محرکهای هیجانی تهدید کننده در مقایسه با محرکهای غیرهیجانی یا محرکهای هیجانی مثبت و نیز سنجش تاثیر متقابل صفت و حالت اضطراب در سوگیری توجهی نسبت به محرکهای هیجانی منفی، بین پنج دسته واژه هیجانی و غیرهیجانی و حالت اضطراب به عنوان عوامل درون آزمودنیها و صفت اضطراب به عنوان یک عامل بین آزمودنیها، تحلیل واریانس سه عامل با تکرار در اندازه‌گیری روی دو عامل اول و دوم صورت گرفت و نتایج نشان‌داد که بین میانگینهای میزان توجه به پنج دسته واژه هیجانی و غیرهیجانی

کوششهای آزمایشی به صورت تصادفی ارائه می‌شد. هر یک از آزمایشها با ده کوشش تمرینی آغاز و سپس کوشش آزمون و به دنبال آن فهرست اصلی عرضه می‌شد. بدین ترتیب ۲۲۰ کوشش، با ترتیب تصادفی ظاهر می‌گردید. همچنین در این تحقیق از سیاهه صفت و حالت اضطراب برای سنجش میزان اضطراب آزمودنیها استفاده شد. در پاسخ به مقیاس صفت اضطراب، آزمودنیها در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (تقریباً هیچ وقت، گاهی، غالباً، تقریباً همیشه) نشان می‌دهند که به طور کلی چه احساسی دارند و در پاسخ به مقیاس حالت اضطراب، آزمودنیها شدت اضطراب خود را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (اصلاً، تا حدی، متوسط و خیلی زیاد) در زمانی مشخص نشان می‌دهند. هر یک از این بخشها شامل ۲۰ عبارت توصیفی است.

پس از تقسیم آزمودنیها به دو گروه دارای صفت اضطراب زیاد و کم، هر آزمودنی دو بار با تکلیف ادراک رنگ به صورت یک هفته در میان مورد آزمایش قرار گرفت. بدین معنی که یک بار پس از وارد آوردن یک استرس و یک بار بدون وارد آوردن استرس آزمون می‌شد. تحت شرایط استرس- یک تکلیف دشوار- متضمن ساخت جمله‌ای از کلمات درهم ریخته و به ظاهر نامربوط با یکدیگر ارائه شد و به دنبال آن پسخوراندی منفی و تحریف شده از عملکردشان داده شد: یعنی اعلام می‌گشت که جملات ساخته شده به کلی بی‌معنی، نامربوط و فاقد آرایش متناسب هستند. سپس آزمودنیها در مقابل تلویزیون قرار گرفته، تکلیف ادراک را به شرحی که گذشت انجام می‌دادند؛ و در نهایت به سیاهه حالت اضطراب اسپیل برگر پاسخ می‌گفتند. تحت شرایط بدون استرس، این تکلیف انجام نگرفت و در این حالت آزمودنیها صرفاً تکلیف ادراک رنگ را انجام داده و پس از آن به سیاهه حالت اضطراب (State anxiety) پاسخ می‌گفتند.

انبوه اطلاعات ارائه شده نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و در نتیجه افراد مضطرب بیش از افراد بهنجار به محرکهای تهدید کننده توجه می‌کنند. براساس نظریه باور، نتایج فعلی بدین گونه قابل تبیین است که توجه انتخابی به رمزگردانی موضوعات همخوان با خلق منجر گشته و این سوگیری به ادراک روشتر چنین موضوعاتی می‌انجامد. چنانچه علت سوگیری توجهی را حالت هیجانی کنونی فرد بدانیم، منطقاً هر نوع سوگیری توجهی را می‌توان به عنوان پیامد بعدی خلق یعنی معلول آن در نظر گرفت؛ اما اگر اثر مشاهده به دیدگاه بک، امری و گرین‌برگ (۱) منسوب شود و علت آن برخی تفاوت‌های شناختی پایدار مربوط به وجود صفت در افراد در نظر گرفته شود، سوگیری توجهی را می‌توان در برخی افراد یک مکانیزم شناختی بنیانی آسیب‌پذیر دانست که دارای تمایل ثابت برای توجه ترجیحی به محرکهای آزارنده در محیط هستند. به نظر می‌رسد تلفیق این دو نظریه، تبیین قویتری برای یافته‌های موجود به دست دهد. در هر دو دیدگاه، سوگیریهای شناختی به برانگیختگی موقت ساختارهای مورد استفاده در پردازش اطلاعات هیجانی نسبت داده می‌شود. یعنی محتوی فردی طرحواره‌های خطر، نوع ماده‌ای که به طور انتخابی پردازش می‌شود را تعیین می‌کند و سهولت فعال شدن آنها تحت تاثیر حالت جاری خلق مطابق با گره هیجانی صورت می‌گیرد. ممکن است صفت اضطراب در آزمودنیها سبب شود که این طرحواره‌های خطر در حالت‌های نسبتاً مداوم برانگیختگی باقی بمانند و یا به هنگام مواجهه با درون داد مناسب با سهولت بیشتری در افراد مضطرب برانگیخته شوند. از آنجایی که نتایج این آزمایش محدود به افراد بهنجار و جامعه دانشجویان بود، به منظور بررسی امکان تعمیم آن به بیماران مضطرب بالینی و تفکیک عملکرد آنان از افراد بهنجار، آزمایش دوم صورت گرفت.

[$F(4 و 112) = 6/35 و P < 0/01$] تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی تعامل بین آنها [$F(4 و 112) = 1/75$] به سطح معنی‌داری نرسیده است. همچنین بین میانگینهای حالت اضطراب [$F(1 و 28) = 12/30 و P < 0/01$] تفاوت معنی‌داری وجود دارد که نشان می‌دهد وارد آوردن یک استرس، میزان توجه به محرکهای هیجانی را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد، هر چند که تعامل بین صفت و حالت اضطراب [$F(1 و 28) = 0/05$] معنی‌دار نمی‌باشد. اما از نظر تاثیر سطوح مختلف صفت اضطراب بر افزایش توجه نسبت به محرکهای هیجانی و غیرهیجانی [$F(1 و 28) = 0/38$] تفاوت معنی‌داری بین میانگینها مشاهده نگردید. همچنین بررسی تاثیر متقابل دسته‌های مختلف واژه و حالت اضطراب در سوگیری توجهی نشانگر تعامل معنی‌دار بین دو عامل بود [$F(4 و 112) = 21/67 و P < 0/01$]. تاثیر متقابل بین سطوح مختلف هر سه عامل نیز مورد بررسی قرار گرفت و معنی‌دار بودن تفاوت بین میانگینهای مربوطه مشخص شد [$F(4 و 112) = 3/27 و P < 0/05$].

نتایج نشان داد که بیشترین رابطه معنی‌دار بین صفت اضطراب زیاد و سوگیری توجهی به طرف واژه‌های هیجانی تهدید کلی تحت شرایط استرس‌زا وجود دارد ($r = 0/740$). بدین ترتیب تمام فرضیه‌های آزمایش اول تأیید گردید.

بحث

در آزمایش اول، عملکرد آزمودنیها در تکلیف ادراک رنگ نشانگر تفاوت معنی‌دار بین میانگینهای میزان توجه به واژه‌های مختلف و توجه افزونتر به واژه‌های هیجانی منفی - در مقایسه با واژه‌های دیگر- بود. یافته‌های برخی از بررسیهای پیشین نیز این نتیجه را تأیید می‌کنند (۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱). شواهد نشان داده‌اند که اضطراب در گزینش و توجه انتخابی به اطلاع تهدید برانگیز از میان

آزمایش دوم

روش

آزمودنیها. از جامعه بیماران دارای اختلال اضطراب منتشر نمونه‌ای به تعداد ۱۵ نفر، ۱۱ زن و ۴ مرد (میانگین سنی ۳۴/۷ سال) که داوطلب شرکت در آزمایش بودند، به عنوان گروه آزمایشی و از میان کارکنان دانشکده‌های پزشکی و روان‌شناسی دانشگاه تهران نیز ۱۵ داوطلب ۱۱ زن و ۴ مرد (میانگین سنی ۳۷/۲ سال) که سابقه اختلالات روانپزشکی و مشکلات عاطفی نداشتند، به عنوان گروه کنترل برگزیده شدند. دو گروه از نظر سن، جنس و میزان احاطه و اطلاع بر واژگان زبان مادری بوسیله بخش خزانه لغات آزمون و کسلر بزرگسالان تا حد امکان معادل گردیدند.

وسایل آزمایش و شیوه

در این آزمایش چهار وضعیت محتوی واژه وجود داشت که هر یک مرکب از بیست جفت واژه بودند. وضعیتهای آزمایشی با موارد بکار رفته در آزمایش اول مطابقت داشتند وضعیت تهدید وابسته به استرس (تهدید پیشرفت - خنثی) حذف شده بود زیرا در این مرحله دستکاری استرس صورت نگرفت. وضعیتهای مختلف واژه عبارت بودند از: ۱) تهدید کلی - خنثی (تهدیدهای جسمانی مثل بیماری - سنباده و تهدیدهای اجتماعی مانند: گدائی - بیلاق)؛ ۲) مثبت - خنثی مثل: زیبایی - گرمسیر؛ ۳) واژه‌های دسته‌بندی شده خنثی مثل: کابینت - مبادله؛ ۴) واژه‌های دارای فراوانی کم مانند: سیمرغ - پرنیان. همچنین یک وضعیت آزمون مشابه با آزمایش اول وجود داشت. هر جفت واژه دو مرتبه ارائه می‌شد که در مجموع ۱۸۰ کوشش آزمایشی با ترتیب تصادفی عرضه می‌شد. جزئیات ارائه محرک و تجهیزات، همانند آزمایش اول بود. در این آزمایش، آزمودنی ابتدا تکلیف ادراک رنگ را انجام می‌داد و سپس به سیاهه صفت

و حالت اضطراب پاسخ می‌گفت و در نهایت توسط بخش خزانه لغات آزمون و کسلر بزرگسالان، از نظر میزان معلومات لغوی، آزمایش به عمل آمد.

یافته‌ها

ویژگیهای آزمودنیها. میانگین نمرات مربوط به سیاهه حالت اضطراب و صفت اضطراب برای بیماران مضطرب به ترتیب ۵۱/۳ (۲/۶)، (۴/۹) و ۵۷/۶ و برای افراد گروه کنترل به ترتیب (۲/۳) ۳۰/۵ و (۴/۱) ۳۷/۳ بودند (اعداد داخل پرانتز انحراف استاندارد هستند). بیماران نسبت به گروه کنترل به طور معنی‌داری نمرات بالاتری از سیاهه حالت اضطراب [t(۲۸)=۱۷/۳۳۳ و P<۰/۰۱] و نیز از سیاهه صفت اضطراب [t(۲۸)=۱۱/۸۷۱ و P<۰/۰۱] به دست آوردند. همچنین میانگین نمرات بخش خزانه لغات آزمون برای گروه بیماران مضطرب ۱۲/۴ و برای آزمودنیهای گروه کنترل ۱۳/۱ بود که تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

عملکرد تکلیف. به منظور بررسی این فرضیه که افزایش اضطراب در افزایش میزان توجه به محرکهای هیجانی تهدید کننده موثر است، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دو عاملی میانگینهای تعداد پاسخها به چهار دسته واژه‌های هیجانی و غیرهیجانی (به عنوان عامل آزمودنیها) در گروههای مضطرب و کنترل (به عنوان عامل عامل بین آزمودنیها) با تکرار اندازه‌گیری روی عامل اول مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج آزمون نشان داد که بین میانگینهای مربوط به سطوح مختلف عامل اول (چهار دسته واژه)، [F(۳ و ۸۴)=۸/۶۲ و P<۰/۰۱] تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی بین میانگینهای متعلق به سطوح مختلف عامل دوم (گروه مضطرب در مقابل کنترل) [F(۱ و ۲۸)=۰/۱۷] تفاوت معنی‌داری مشاهده

ادراکی را راه اندازی نموده، باعث شود محرکهای بعدی ارائه شده، از نظر ویژگیهای تهدید آمیز کنترل گردد. در واقع چنانچه فرد وقت بیشتری را صرف پردازش تهدیدهای محیطی کند، ممکن است پیامد آن اضطراب او نیز افزایش یابد که این افزایش، خود میزان توجه به برهه‌های تهدید را تشدید می‌کند و بدین ترتیب یک دایره معیوب شکل می‌گیرد. عدم ارتباط معنی‌دار بین هر یک از مقیاسهای سنجش صفت و حالت اضطراب و سوگیری توجهی در تحلیلهای همبستگی را نیز احتمالاً می‌توان چنین توجیه کرد که عملکرد آزمودنیها طی انجام تکلیف سطح حقیقی اضطراب آنها را منعکس می‌سازد ولی پاسخگویی به پرسشنامه گاه با تمایل به انکار آن همراه است، و به همین دلیل نمرات حاصله دارای ارتباط معنی‌داری نیستند. امکان دیگر آن است که مقیاس اضطراب اسپیل‌برگر به تنهایی از کارآیی کافی جهت سنجش اضطراب برخوردار نبوده، می‌بایستی همراه با دیگر مقیاسهای پایا و معتبر ارزیابی اضطراب مورد استفاده قرار گیرد. اطمینان از تمایز روشن انواع علائم تغییرات خلقی همانند اضطراب، هراس، افسردگی و سواس نیز ضرورت دارد. از آنجا که نتایج این آزمایش دقیقاً روشن‌گر آن نبود که آیا سوگیری توجهی ظاهر شده کارکرد اضطراب یا افسردگی است، آزمایش سوم در مورد یک نمونه غیربالینی اجرا گردید.

آزمایش سوم

روش

آزمودنیها. از جامعه دانشجویان دانشکده‌های پزشکی دانشگاههای دولتی تهران و ۳۰ دانشجوی دوره لیسانس (۱۵ زن، ۱۵ مرد، با میانگین سنی ۲۱/۹ سال) که داوطلب شرکت در این تحقیق بودند، برگزیده شدند.

نمی‌شود. همچنین تاثیر متقابل بین این دو عامل $P < 0/01$ و $F(3 \text{ و } 84) = 153/90$ کاملاً معنی‌دار می‌باشد. از آزمون t استودنت برای مقایسه دو گروه از نظر پاسخ به هر نوع واژه به طور جداگانه و به منظور دریافت اثر تفکیکی هر یک از آنها بر سوگیری توجهی استفاده شد و نتایج نشانگر آن بود که بیماران مضطرب از روند پاسخ دهی بیشتری، نسبت به واژه‌های هیجانی تهدید کننده، و پاسخدهی کمتری، نسبت به واژه‌های هیجانی مثبت (به معنای سوگیری توجهی نسبت به محرکهای تهدید کننده) در مقایسه با آزمودنیهای گروه کنترل برخوردار هستند. از سوی دیگر تحلیلهای همبستگی نشان داد که میزان پاسخهای آزمودنیهای مضطرب به واژه‌های تهدید کلی یا مثبت ارتباط معنی‌داری با نمرات حاصل از هیچ یک از سیاهه‌های صفت و حالت اضطراب ندارد. برای مثال نمرات افراد مضطرب از سیاهه صفت اضطراب همبستگی $0/327$ و از سیاهه حالت اضطراب همبستگی $0/178$ با میزان پاسخ به واژه‌های تهدید کلی نشان می‌دادند که خلاف انتظار بود.

بحث

نتایج آزمایش دوم با نتایج آزمایش اول در اثبات تجربی سوگیری ناشی از اضطراب به طرف محرکهای تهدید کننده مطابقت داشته و با یافته‌های مطالعات پیشین همسوئی دارد (۹-۱۱). به طوری که انتظار می‌رفت با افزایش سطح اضطراب توجه بیماران بیش از مطالب دارای جاذبه مثبت به مطالب تهدید کننده معطوف می‌گشت، حال آنکه در مورد افراد گروه کنترل روند پاسخدهی برعکس بود. تبیینهای احتمالی برای این یافته می‌توان ارائه داد، از جمله به طوری که متیوس و همکاران (۱۹۸۶) اظهار می‌دارند، ظاهراً وجود اختلال اضطراب با یک درجه نسبتاً کلی قابلیت انحراف توجه مرتبط است و امکان دارد همین ردیابی مطالب انحرافی تهدید کننده، انتخاب رویه درصد

وسایل و شیوه آزمایش

در این آزمایش سه دسته واژه هیجانی و یک دسته واژه غیرهیجانی که هر یک مرکب از ۳۰ جفت واژه بودند، وجود داشت. این وضعیتها عبارت بودند از: (۱) افسرده- خنثی مثل: غمگین-اشاعه؛ (۲) مانیک-خنثی مثل: سرخوش-کهربا؛ (۳) مانیک-افسرده مثل: چالاک-شکایت و (۴) واژه‌های دسته‌بندی شده- خنثی همانند: سماور- هنگام. همچنین یک وضعیت آزمون مشابه با آزمایش اول و دوم وجود داشت. هر جفت واژه دو مرتبه و در مجموع ۱۸۰ کوشش آزمایش با ترتیب تصادفی ارائه می‌شد. جزئیات ارائه محرک و تجهیزات دقیقاً همانند شرح آزمایش اول و دوم می‌باشد. هر آزمودنی ابتدا تکلیف ادراک رنگ را انجام می‌داد و سپس به سیاهه صفت و حالت اضطراب و فهرست افسردگی بک پاسخ می‌گفت.

یافته‌ها

ویژگیهای آزمودنیها. میانگین نمرات مربوط به فهرست افسردگی بک، سیاهه حالت اضطراب و سیاهه صفت اضطراب برای افراد گروه نمونه عبارت بودند از: (۳/۱) ۵/۰، (۴/۸) ۳۴/۴، (۴/۱۰) ۳۷/۳. (اعداد داخل پرانتز انحراف استاندارد هستند). همچنین نمرات مربوط به سه مقیاس فوق به طور معنی‌داری همبستگی داخلی داشتند (همبستگیها در دامنه ۰/۶۹ تا ۰/۸۱ قرار داشتند).

عملکرد تکلیف. در مورد ماده‌های آزمون، تمامی آزمودنیها کاملاً بالاتر از سطح تصادف عمل کردند و به طور متوسط گزینشهای دقیق آنها در کوششهای آزمون ۹۷/۷ درصد بود (انحراف استاندارد=۰/۸).

نتایج تحلیلهای همبستگی نیز نشانگر آن بود که مقیاسهای افسردگی و اضطراب، همبستگی مثبت با میزان پاسخ به واژه‌های افسرده در وضعیت افسرده - خنثی و

همبستگی منفی با میزان پاسخ به واژه‌های مانیک در وضعیت مانیک - خنثی و مانیک - افسرده داشتند. از آنجایی که این فرضیه مطرح بود که اضطراب بیش از افسردگی با سوگیری توجهی نسبت به محرکهای هیجانی منفی ارتباط دارد، تحلیلهای همبستگی بین نمره سوگیری و هر یک از مقیاسهای سنجش اضطراب و افسردگی انجام شد و نتایج به دست آمده نشان داد که نمره سوگیری همبستگی قوی‌تری با حالت اضطراب ($r=0/93, P<0/001$) داشت - تا با صفت اضطراب ($r=0/84, P<0/001$) یا با افسردگی ($r=0/70, P<0/001$). این امر نشان می‌داد که نمره سوگیری باقیمانده به طور معنی‌داری با سیاهه حالت اضطراب پس از کنترل شدن با سیاهه صفت اضطراب ($r=0/80, P<0/05$) یا با فهرست افسردگی بک ($r=0/88, P<0/05$) همبستگی دارد.

برخلاف آن، پس از کنترل سیاهه حالت اضطراب، نمره سوگیری همبستگی معنی‌داری با سیاهه صفت اضطراب ($r=0/40, P<0/05$) یا با فهرست افسردگی بک ($r=0/71, P<0/05$) نداشت. این نتایج تماماً حاکی از آن است که حالت اضطراب مهمترین عامل تعیین کننده در بروز سوگیری توجهی می‌باشد.

در نهایت، به منظور بررسی این فرضیه که کاهش اضطراب در سوگیری توجهی نسبت به محرکهای هیجانی مثبت و افزایش اضطراب در سوگیری توجهی نسبت به محرکهای هیجانی منفی موثر است، نمونه‌ها به دو گروه دارای حالت اضطراب زیاد و کم، با استفاده از یک برش متوسط روی نمرات سیاهه حالت اضطراب، تقسیم شد. میانگین نمرات پرسشنامه افسردگی بک، سیاهه حالت اضطراب و سیاهه صفت اضطراب برای گروه دارای حالت اضطراب کم ($n=13$) به ترتیب عبارت بودند از (۲/۵) ۳/۸، (۱/۵) ۲۹/۸، (۳۲/۷) ۲/۶ و برای گروه دارای حالت اضطراب کم ($n=17$) به

دسته‌بندی شده (میانگین = ۵۲/۱ درصد) با میزان تصادف (۵۰ درصد) مقایسه شد. نتایج نشان دادند که هیچ تمایل معنی‌داری در آزمودنیها برای توجه بیشتر به واژه‌های دسته‌بندی شده وجود ندارد [$P < ۰/۰۵$ ، $t(۲۹) = ۱/۶۹۹$]. و نیز هیچ تفاوتی بین آزمودنیهای دو گروه - حالت اضطراب زیاد و کم - از نظر توجه به این واژه‌ها - وجود نداشت ($t < ۱$) که نشانگر آن است که دسته‌بندی واژه‌ها بالقوه یک عامل مخف نشده است.

بحث

نتایج آزمایش سوم در توافق با برخی یافته‌های حاصل از مطالعات پیشین (۶) حاکی از آن است که افزایش نمرات مربوط به مقیاس افسردگی با میزان توجه به واژه‌های افسردگی، همبستگی مثبت و با میزان توجه به واژه‌های مانیک، همبستگی منفی دارد. اولین تبیین قابل طرح برای این یافته‌ها، همانا مفهوم نظریه تحریف شناختی بک و همکاران (۱۹۷۹) می‌باشد که براساس آن یک طرح مشابه سوگیری شناختی در هر دو نوع اختلال خلقی یعنی افسردگی و اضطراب پیش‌بینی می‌شود. بک اظهار می‌دارد که افراد افسرده در یک خبرپردازی ناقص از جمله تعمیم افراطی تجربیات منفی درگیر می‌شوند. آنها از این تجربیات، طرحواره‌های منفی تشکیل می‌دهند، ساختارهای شناختی که بر رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات تاثیر گذارده و نوع اطلاعات برای پردازش عمیقتر مطالب را تعیین می‌کند. بنابراین سوگیری ظاهر شده در تکلیف ادراک رنگ ناشی از ویژگی تخصیص توجه افراد افسرده یا افراد مستعد این اختلال به محرکهای دارای مضمون افسردگی است.

همچنین این یافته‌ها بر اساس مدل عدسی محدود-گسترده قابل تبیین هستند. بر مبنای این مدل، توجه آزمودنی‌های افسرده به میدان گسترده‌ای معطوف می‌شود ولی تجزیه و تحلیل اندکی به دنبال دارد. اگر

ترتیب عبارت بودند از [$(۲/۳) ۶/۷$ ، $(۳/۳) ۳۷/۹$ ، $(۳/۳) ۴۰/۸$]. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشانگر تاثیر متقابل معنی‌دار محتوی واژه و گروه بود [$P < ۰/۰۱$ ، $F(۳ و ۱۶۸) = ۴۴۹/۸۷$]. نتایج حاصل از انجام آزمونهای t با مقایسه دو گروه در هر یک از انواع واژه‌ها نشان داد که آزمودنیهای متعلق به گروه دارای حالت اضطراب زیاد در مقایسه با گروه دارای حالت اضطراب کم، توجه بیشتری به واژه‌های افسرده در وضعیت افسرده - خنثی [$P < ۰/۰۱$ و $t(۲۸) = ۱۱/۹۷۴$] نشان دادند. در مقابل آزمودنیهای گروه دارای اضطراب کم توجه بیشتری به واژه‌های محتوی مانیک در وضعیت مانیک - خنثی [$P < ۰/۰۱$ و $t(۲۸) = ۱۲/۴۱۲$] و واژه‌های محتوی مانیک در وضعیت مانیک - افسرده [$P < ۰/۰۱$ و $t(۲۸) = ۲۳/۸۲۶$] ظاهر ساختند. همچنین از آزمونهای t برای ارزیابی و سنجش حدودی که پاسخهای آزمودنیها در هر یک از وضعیتهای واژه و در داخل هر یک از گروهها، از سطح تصادف (۵۰٪) منحرف می‌شدند، استفاده گردید. نتایج نشان داد که گروه دارای حالت اضطراب کم در مقایسه با گروه دارای حالت اضطراب زیاد، توجه بیشتری به واژه‌های محتوی مانیک - خنثی [$P < ۰/۰۰۰۵$ و $t(۱۲) = ۸/۱۳۵$] و واژه‌های محتوی مانیک در وضعیت مانیک - افسرده [$P < ۰/۰۰۰۵$ و $t(۱۲) = ۱۰/۹۷۳$] و توجه کمتری به واژه‌های دارای مضمون افسردگی در وضعیت افسرده - خنثی [$P < ۰/۰۵$ و $t(۱۲) = ۲/۲۹۳$] نشان دادند. در مقابل گروه دارای حالت اضطراب زیاد توجه بیشتری به واژه‌های دارای مضمون افسردگی در وضعیت افسرده - خنثی [$P < ۰/۰۰۰۵$ و $t(۱۶) = ۵/۲۲۱$] داشتند ولی از نظر دو وضعیت دیگر بین میانگینهای مورد مقایسه و سطح تصادف، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. همچنین به منظور کنترل آثار دسته‌بندی واژه‌ها در عملکرد تکلیف تحلیلهایی انجام شد و درصد پاسخها به واژه‌های

می‌کند، حال آنکه افسردگی توسط عمل سوگیریها در مرحله بازیابی تشخیص داده شده و یادآوری خلق هماهنگ یعنی اطلاعات هیجانی منفی را تسهیل می‌کند (۲). چنین تمایزی بین فرآیندهای شناختی که ممکن است زمینه این دو هیجان قرار گیرد، می‌تواند روشنگر تمایزات بالینی بین دو اختلال باشد.

گسترش طرح آزمایشی به کار رفته در این پژوهش برای تحقیق در مورد بیماران افسرده و کنترل عوامل در آمیخته احتمالی با اضطراب، خط مشی‌هایی برای تحقیقات آتی به دست می‌دهد.

تحلیل نیز گسترش کافی داشته باشد، منحصرًا "واژه‌های منفی مورد پردازش قرار نگرفته و سوگیری نسبت به آنها مشاهده نخواهد شد. از سوی دیگر، توجه آزمودنیهای غیر افسرده به بخش کوچتری از میدان بینایی محدود شده ولی با افزایش پیوسته در قدرت پردازش تمامی واژه‌ها همراه است و سوگیری برای مضمون غیر افسرده پیامد این توانایی است.

در مجموع شاید بتوان گفت که اضطراب به وسیله عمل سوگیری توجهی در سطح ادراک معین شده و به انتخاب خلق هماهنگ یعنی اطلاعات هیجانی تهدید کننده عمل

مراجع

- 1) Beck AT, Emery G & Greenberg: Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective. New york/Basic books, 1985
- 2) Beck AT, Rush AJ, Shaw BF, & Emery G: Cognitive therapy of depression New york, Guilford press, 1979
- 3) Bower GH: Mood and memory. American psychologist 36: 129-148, 1981
- 4) Broadbent DE & Broadbent M: Anxiety and attentional bias: State and trait. Cognition and Emotion 2: 165-183, 1988
- 5) Coyne JC & Gotlib IH: The role of cognition in depression: A critical Appraisal. Psychological Bulletin 94: 472-505, 1983
- 6) Gotlib IH & Cane DB: Construct accessibility and clinical depression: A Longitudinal investigation. Journal of Abnormal psychology 96: 199-204, 1987
- 7) Gotlib IH & Katz AN: Biases in visual attention in depressed and nondepressed individuals. Cognition and Emotion 2: 185-200 1988
- 8) MacLeod C, Mathews A: Anxiety and the allocation of attention to threat. Quarterly Journal of Experimental psychology 40: 653-670, 1988
- 9) Mathews A & MacLeod C: Selective processing of threat Cues in anxiety States. Behaviour Research & Therapy 23: 563-569, 1985
- 10) Mathews A & MacLeod C: Discrimination of threat Cues without awareness in anxiety states. Journal of Abnormal psychology 95: 131-138, 1986
- 11) Mogg K, Mathews A, Wejnman J: Selective processing of threat Cues in anxiety states: A replication Behaviour Research & Therapy 27: 317-323, 1989
- 12) Spielberger CD, Gorsuch RL, Lushene R, Vagg PR & Jacobs GA: An Inventory for measuring state and trait anxiety. California/Consulting psychologists press 1983